



امام خمینی (ره) ۱۰ آبان ۱۳۶۷  
در نامه‌ای مشهور به «منشور  
برادری» می‌نویسد:

در حکومت اسلامی همیشه  
باید باب اجتهاد باز باشد و  
طبیعت انقلاب و نظام همواره  
اقتضای می‌کند که نظرات  
اجتهادی - فقهی در زمینه‌های  
مختلف ولو مخالف بایکدیگر  
آزادانه عرضه شود و کسی توان  
حق جلوگیری از آن را ندارد ولی  
مهم شناخت درست حکومت  
و جامعه است که براساس  
آن نظام اسلامی بتواند به نفع  
مسلمانان برنامه‌ریزی کند که  
وحدت رویه و عمل ضروری  
است.

اگر در این نظام، کسی یا گروهی  
خدای ناکرده بی جهت در فکر  
حذف یا تخریب دیگران برآید  
و مصلحت جناح و خط خود  
را بر مصلحت انقلاب مقدم  
بدارد، حتماً پیش از آنکه به  
رقیب یا رقبای خود ضربه بزند  
به اسلام و انقلاب لطمه وارد  
کرده است.

سمت شعارزدگی و تظاهر به جای حل واقعی مسائل و مشکلات پیش می‌رود و روزبه‌روز ضعیف‌تر می‌شود. برای حل مشکل تعارض منافع به توانمندسازی حکومت و سازوکارهای سیاسی و اجتماعی حل مسائل نیاز است. تفکیک فضایل نظام سیاسی از فضایل فردی گامی در جهت توانمند ساختن حکومت است و نه تنها اخلاق فردی را سست نمی‌کند، بلکه به حفظ ارزش‌های اخلاقی در جامعه می‌انجامد. ناکارآمدی حکومت و ناتوانی در حل معضلات سیاسی و اجتماعی، در عوض تأکید بر ارزش‌های اخلاق فردی است که به فدا کردن فضایل اخلاقی در جامعه ختم می‌شود؛ امری که امروز با آن دست به‌گریبانیم.

وجه دیگری از تقریر فوق را نیز می‌توان در کتاب دکتر واعظی ملاحظه کرد. به اعتقاد او، جامع دانستن اسلام در اندیشه اسلام‌گرایی سبب شده است - با این تصور که محتوا و دانش لازم را شریعت مشخص کرده است - به استفاده از معرفت بشری و نظریه‌پردازی در باب عدالت نیازی احساس نشود. به عبارتی، در این تلقی، تکلیف تمامی وجوه سیاسی و اجتماعی زندگی انسان در ابعاد مختلف اخلاقی و جمعی در شرع مشخص شده است و فقط نیاز به وجود یک قوه اجرایی است تا این قوانین و برنامه‌ها را عملی کند. به این ترتیب، تدوین نظریه برای عدالت اجتماعی دلیلی ندارد؛ همه چیز از قبل مشخص است. در سوی مقابل این دیدگاه که عدالت اجتماعی را امری داده‌شده و از قبل مشخص می‌داند، دیدگاه‌هایی وجود دارد که بر خاصیت وضعی و قراردادی عدالت اجتماعی تأکید می‌کنند. در این دیدگاه با توجه به وضعیت و اقتضائات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هر جامعه نظریه‌ای در باب عدالت اجتماعی تدوین می‌شود. همین بحث در باب اخلاق سیاسی نیز قابل تسری است. وجود میزان قابل توجهی از فضایل اخلاقی بدین معنا نیست که در حوزه سیاست‌گذاری و نظریه‌پردازی در حوزه اخلاق کاری وجود ندارد. اخلاق سیاسی اقتضائاتی دارد که در حوزه اخلاق فردی بدان‌ها اندیشیده نشده است. ▶